

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: وبسایت «عصر ما»، ۲۶ اگست ۲۰۲۲*
نویسنده: مصاحبه روزنامه حزب کمونیست المان با پروفیسور زابینه شیفر (۱)
برگردان: م. نوری
۳۰ اگست ۲۰۲۲

برجسته کردن و نادیده گرفتن

چگونه می‌توان با استفاده از تعبیر و قالبها افکار عمومی را شکل داد



پس از آغاز جنگ در اوکراین به یکباره کاشف به عمل آمد که ارسال سلاح به مناطق جنگی به برقراری صلح کمک می‌کند و نه به دامن زدن هر چه بیشتر به جنگ. این تابوشکنی در سیاست خارجی المان به لطف هیاهوهای مداوم رسانه‌های دولتی و خصوصی از سوی اکثریت مردم المان مورد تأیید قرار گرفت. در این راستا تولیدکنندگان خبر از شیوه «قاب‌سازی» استفاده کردند و استفاده می‌کنند. وبسایت «عصر ما» در رابطه با مقوله «قاب‌سازی» و کارکرد آن با زابینه شیفر، پروفیسور مدرسه عالی رسانه، ارتباطات و اقتصاد در فرانکفورت – ماین و رئیس انستیتوت «مسئولیت رسانه‌ها» در برلین صحبت کرده است که در ذیل می‌خوانید:

عصر ما: خانم الیزابت ولینگ (۲)، محقق زبان‌شناسی تعریف ساده‌ای از «قاب‌سازی» ارائه داده است: «انتقال زاویه

دید خود به دیگران»، چیزی که در هر بحثی از آن استفاده می‌شود. پس چه موقعی «قاب‌سازی» مشکل‌ساز است؟

زابینه شیفر: اولاً باید اذعان کرد که نمی‌توان قاب‌سازی نکرد. ما از زبان پیچیده و بسیار رشديافته‌ای با واژه‌هایی با معانی مشخص استفاده می‌کنیم. وقتی می‌خواهیم موضوع معینی را توضیح دهیم باید واژه‌های مناسب و معینی را انتخاب کنیم. اگر به‌جای واژه‌های مناسب واژه‌های دیگری را انتخاب کنیم، زاویه دید دیگری به مخاطب می‌دهیم. در کنار این نوع قاب‌سازی عادی، قاب‌سازی عالمانه و ستراتیژیک دیگری نیز وجود دارد که هدف از استفاده از آن تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. تعیین مرز دقیق و مشخصی بین انواع قاب‌سازی‌ها بسیار دشوار است.

عصر ما: چگونه فردی ناشی و ناوارد می‌تواند قاب‌سازی ستراتیژیک را تشخیص دهد و چگونه باید با آن برخورد کرد؟

زاینه شیفر: اگر از واژه‌هایی با بار منفی نظیر دشنام یا انگ استفاده شود، افراد ناوارد و علی‌العموم همه ما می‌توانیم بسادگی آن را تشخیص دهیم. استفاده از واژه «دیکتاتوری زیست‌شناسی محیط» تلاشی است در همین راستا تا هر گونه بحث در این رابطه را ناممکن سازد. (۳)

مثال دیگری که می‌توان در این زمینه زد استفاده از اصطلاح «جنگل مصنوعی هام باخر» است که همه، حتی کسانی که نفعی سیاسی از آن نمی‌برند با آن همراهی می‌کنند. مالکین جنگل «هام باخر» واژه جنگل مصنوعی را به قطعه‌ای از جنگل اطلاق کردند که گویا می‌خواستند از آن حفاظت کنند ولی در اصل عبارت جنگل مصنوعی برای جنگلی استفاده می‌شود که به‌دست انسان ساخته شده و درختان آن برای قطع کردن و فروش پرورش داده شده‌اند و به این ترتیب مجوز قطع درختان این قسمت از جنگل توجیه شد. یا مثال دیگر، غالب ما ناخودآگاه لغت کارگر و کارفرما را اشتباه می‌گیریم. در زبان ما ساختار لغت کارفرما طوری است که انگار کارفرماست که کار ارائه می‌دهد، در حالی که به عکس این کارگر است که نتیجه کار خود را ارائه می‌دهد و نه کارفرما. در مباحث حساسی مانند سهم کارفرما در پرداخت حق بیمه کارگر، باید از واژه‌هایی حتی اگر نا درست هم باشند استفاده کرد تا موضوع برای همه قابل فهم باشد.

عصر ما: مرکز فدرال المان برای آموزش سیاسی در تعریف «تئوری توطئه» می‌نویسد: معتقدین به تئوری توطئه در هر واقعه‌ای سؤال می‌کنند: این واقعه به‌نفع چه کسی بود؟ بنابراین این تعریف، مارکس و نین هم معتقد به تئوری توطئه بودند؟ این سؤال مطرح می‌شود که امروزه تفکر انتقادی چگونه می‌تواند عمل کند؟

زاینه شیفر: این سؤال، پرسش بی‌ربطی نیست و اتفاقاً سؤال درستی است، زیرا منتقدینی که اصول اساسی اقتصاد ما را زیر سؤال می‌برند واقعاً با مشکلات آن مواجه‌اند. نه فقط در المان بلکه در کلیه کشورهای غربی چنین سوءبرداشتی وجود دارد که دموکراسی و سرمایه‌داری را برابر با هم و لازم و ملزوم یکدیگر می‌پندارند، در حالی که قانون اساسی ما در این زمینه بی‌طرف است. در دهه ۱۹۳۰ میلادی یک نابغه آمریکایی به‌نام ادوارد برنیز موفق شد مفهوم دموکراسی را با مصرف کالاها و آزادی پیوند دهد (۴) و این مبنای عمل فعلی سازمان حفاظت از قانون اساسی المان (۵) است. هرکس سیاست‌های اقتصادی را مورد سؤال قرار دهد بلافاصله مظنون به اقدام علیه امنیت کشور می‌شود. علاوه بر این از انگ‌هایی نظیر «معتقد به تئوری توطئه» و سایر انگ‌ها استفاده می‌شود تا منتقدین بی‌اعتبار شوند. و به این ترتیب نمی‌توان تفاوتی بین کسانی که موضع بی‌طرفی در رابطه با موضوع معینی دارند و کسانی که تلاش می‌کنند ارتباط وقایع و مسائل را در بعد جهانی درک کنند، قائل شد. طرح این مسأله که چه نهادهایی، چه بنیادهایی، چه اتاق‌های فکری و چه اشخاصی در طراحی و پیشبرد آن وقایع و مسائل دخیل بوده‌اند، به‌عنوان تئوری توطئه ارزیابی می‌شود. به‌عنوان مثال اکنون با بهانه «قطع وابستگی» به نفت و گاز روسیه، قصد بازگشت به استفاده از منابع انرژی فسیلی و تکنولوژی کهنه و قدیمی را دارند و دیگر کسی از انرژی‌های تجدیدپذیر که تحقق آن حتی به تعویق افتاده صحبتی نمی‌کند. در اصل این وظیفه رسانه‌هاست که این‌گونه مسائل را آشکار کنند. به‌عبارت دیگر رسانه‌ها هستند که باید به این سؤالات بپردازند که لابی‌گری‌ها چه نقشی در این مسأله دارند و کدام لابی‌ها از این سیاست حمایت می‌کنند. طرح سؤالاتی از این قماش را نباید به حساب «تئوری توطئه» گذاشت. پدیده‌هایی نظیر لابی‌گری، پیشبرد منافع گروهی و نظایر آن همیشه وجود داشته و اکنون هم وجود دارد.

عصر ما: چه نقشی فرمولبندی جملات یا به‌کار بردن تعابیر معینی در شکل‌دهی افکار عمومی دارد؟

زاینه شیفر: در این رابطه می‌توان به اعتراضات مدنی که صاحبان قدرت بروز آن را برای پائیز آینده پیش‌بینی می‌کنند، اشاره کرد. از همین حالا «قاب‌سازی» آغاز شده، به این صورت که معترضان مفروض را پیشاپیش به‌عنوان «راست افراطی» یا «راست عوام‌گرا» طبقه‌بندی کرده‌اند. بنابراین مشاهده می‌شود که از فرمولبندی معینی استفاده می‌شود تا برخورد صاحبان قدرت با مشارکت‌کنندگان در این اعتراضات مشروع جلوه داده شود. البته در این رابطه این موضوع را هم نباید فراموش کرد که طبیعتاً افرادی از گروه‌های راست افراطی که به قصد بهره‌برداری از اعتراضات به آن خواهند پیوست وجود دارند که نباید به آن‌ها اجازه چنین کاری را داد.

زبان‌شناس امریکائی «جرج لاکف» (۶) برای تبیین تأثیر این نوع فرمولبندی‌ها از اصطلاح «برجسته‌سازی با نادیده گرفتن» استفاده می‌کند. معنی این اصطلاح این است که مسائل در قالب معینی طرح می‌شوند تا توجه مخاطب به‌سمت معینی جلب گردد. به عکس با «نادیده گرفتن»، مسائل معینی حذف می‌شوند یا به آنها اشاره‌ای نمی‌شود یا به‌کلی مخفی نگه داشته می‌شوند تا دید مخاطب به سمت و سوی معینی هدایت و تصویر معینی در ذهن وی خلق گردد. این روند پروسه‌ای است که ناخودآگاه در ذهن ما پیش می‌رود و مقابله با آن منوط به شناخت مکانیسم‌های آن است.

عصر ما: سال ۲۰۱۴ شما به اتفاق رونالد تودن (۷) کتابی تحت عنوان «اوکراین همسایه روسیه، هدف آتی منافع

ستراتژیک» منتشر کردید. آیا از آن موقع تغییری در قاب‌سازی کذابی در رسانه‌های آلمان می‌بینید؟

زاینه شیفر: به‌هیچ عنوان. برای خود ما هم وضعیت فعلی خیلی تکان‌دهنده بود. اکنون میزان فروش این کتاب بشدت افزایش یافته. هدف ما از نوشتن کتاب به‌نوعی تکمیل گزارشات رسانه‌های غالب بود، نه فقط برای تبیین و توضیح منافع روسیه، بلکه برای جلب توجه افکار عمومی به ستراتیژی ناتو و توضیح محتوا و ماهیت توافقنامه کذابی درباره همکاری‌های اوکراین با اتحادیه اروپا. در اصل ما همان کاری را انجام دادیم که بعدها شورای برنامه‌گذاری کانال دوم دولتی آلمان، ZDF انجام داد و از رسانه‌های دولتی خواست نحوه گزارش‌دهی را تغییر دهند. لازم به ذکر است که چنین اتفاقی تاکنون نیفتاده است و کماکان افسانه‌هایی نظیر این که مناقشه اوکراین با انضمام شبه‌جزیره کریمه به روسیه آغاز شد در حال تکرار است.

عصر ما: رسانه‌ها هنوز هم از تعابیر و کلیشه‌های دوران جنگ سرد استفاده می‌کنند. آیا به‌کار بردن این تعابیر هنوز

هم کارایی دارند؟

زاینه شیفر: استفاده از تعابیر و تصویرسازی‌های دوران جنگ سرد، از جمله قلمداد کردن روسیه به‌عنوان دشمن، از حیث جنبه تبلیغاتی آن طبیعتاً هنوز هم مؤثر است. این نوع قالب‌های امتحان‌شده و موفق همواره قابل بازسازی‌اند. الان ممکن است برای ما قابل تصور نباشد ولی در مورد فرانسه هم اگر تلاش مداوم و مؤثری صورت گیرد این اتفاق خواهد افتاد. قاب‌سازی نگاه به کلیت مسأله را محدود می‌کند. ما امروزه این پدیده را در محدود کردن گفتمان در مبحث ارسال تسلیحات که گویا نشانه همبستگی با اوکراین است می‌بینیم، امری که بسیار خطرناک است. میشل فوکو (۸) گفته است که ایجاد گفتمان به مقدار زیادی در ارتباط با قدرت است. آن کسی که تسلط بر ایجاد گفتمان داشته باشد کسی است که سیر وقایع را تعیین می‌کند.

* <https://www.unsere-zeit.de/hervorheben-und-ausblenden-۱۷۱۸۸۰/>

Sabine Schiffer-۱

۲- Elizabeth Wehling ، خانم الیزابت ولینگ زبان‌شناس المانی کتابی تحت عنوان «قاب‌سازی سیاسی Politische Framing» نوشته است که در آن شیوه‌های به‌کاربردن واژه‌ها و تعبیر جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی را به تفصیل توضیح داده است. (توضیح مترجم)

۳- واژه المانی «Ökodiktatur» دارای بار سیاسی است و به معنای وحشتی است که دولت‌ها از تغییرات اقلیمی و ضرورت حفاظت از محیط زیست در بین مردم ایجاد می‌کنند تا بتوانند اقداماتی نظیر ایجاد محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، افزایش قیمت‌ها در راستای مجبور کردن مردم به صرفه‌جویی و علی‌العموم محدود کردن آزادی‌های فردی را توجیه کنند. (توضیح مترجم)

۴- Edward Bernays روانشناس اتریشی‌الاصل و خواهرزاده زیگموند فروید را می‌توان استاد پروپاگاندا دانست. کتاب وی تحت همین عنوان در اوایل قرن بیستم در امریکا منتشر شد. این کتاب هنوز هم پس از گذشت قریب به یک صد سال از انتشار آن، کتاب مرجع در عرصه پروپاگانداست. در مطلب فوق این گفته که این روانشناس موفق شد مفهوم دموکراسی را با مصرف کالاها و آزادی پیوند دهد اشاره به اقدامات او در زمینه تبلیغات دارد. وی در تبلیغاتی که در جهت افزایش سود یکی از کارخانجات تولید سیگار بود دست به ابتکار جالبی زد. در آن سال‌ها سیگار کشیدن بانوان در انظار عمومی امری مذموم بود. ادوارد برنیز ترتیبی داد که در روز و ساعت معینی چند تن از زنان مشهور و مقبول جامعه در خیابانی در ملاءعام سیگار دود کنند و همزمان از خبرنگاران خواست در محل مزبور حاضر شوند و از این صحنه بدیع عکس‌برداری کنند. انتشار این تصاویر در مطبوعات نه تنها موجب تابوشکنی در مورد سیگار کشیدن بانوان در انظار عمومی شد بلکه این عمل مترادف با آزادی‌خواهی زنان، تلاش زنان برای دستیابی به تساوی حقوق و سمبل روشنفکری زنان شد. (توضیح مترجم)

۵- اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی نام اداره اطلاعات و امنیت داخلی المان است. (توضیح مترجم)

۶- Ronald Thoden

۷- George Lakoff

۸- Michel Foucault

۰۶ شهریور - سنبله - ۱۴۰۱